

عرفان‌های جدید؛

تحلیل آموزه‌های اجتماعی و فردی در عرفان‌های سرخ‌پوستی (کوئلیو) و هندی (اوشو)

f.akbari2@yahoo.com

فضه اکبری / دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان

balali_e@yahoo.com

کمال اسماعیل بالالی / عضو هیأت علمی و دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان

mamghodsi@yahoo.com

علی محمد قدسی / عضو هیأت علمی و دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان

k.koohi@tabrizu.ac.ir

کمال کوهی / عضو هیأت علمی و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۰۸

چکیده

در قرن بیست و یکم، بیشتر سنت‌های بزرگ دینی با چالش جنبش‌ها و فرقه‌های نوپدید دینی مواجه شده‌اند. در این میان، وضعیت روبه رشد این معنویت‌های جدید در ایران، که دارای حکومت سیاسی برگرفته از دین اسلام است، اهمیتی انکارناپذیر دارد. این عرفان‌ها و روح تعالیم آنها در بسیاری از زمینه‌ها، به لحاظ معنایی و محتوایی، با آنچه در جامعه ما و دین اسلام وجود دارد، در تعارض است.

این تحقیق با بهره‌گیری از نظریات ملتون، بین بریج، ویلسون، شفرز و پل ویلم انجام گرفته که معتقدند: در جنبش‌های نوین دینی، معیارها دگرگون شده و به رفتارهای مذهبی ناپه‌نجان و خارج از عرف می‌پردازند. روش انجام تحقیق به شکل «تحلیل محتوا» بود و آموزه‌های اجتماعی و فردی دو نمونه از عرفان‌های نوپدید، یعنی عرفان هندی (اوشو) و عرفان سرخ‌پوستی (پائولو کوئلیو)، مطالعه و بررسی است. نتایج حاکی از آن است که آموزه‌هایی که در این عرفان‌ها بیشتر بر آنها تأکید شده، عبارتند از: لذت‌پرستی، عشق، آزادی، فردگرایی، سنت‌گریزی، مسئولیت، رقص و شادی، خلاقیت، شجاعت و شهامت، نفی خشونت، و مراقبه. برخی از این آموزه‌ها همانند مسئولیت، خلاقیت، و نفی خشونت منافاتی با فرهنگ ایران و دین اسلام ندارند، اما برخی همچون تأکید بر لذت‌پرستی، فردگرایی، و سنت‌گریزی با آموزه‌های اسلام و فرهنگ کشور ما در تعارض آشکار است.

کلیدواژه‌ها: جنبش نوپدید دینی، عرفان هندی اوشو، عرفان سرخ‌پوستی کوئلیو، آموزه اجتماعی، آموزه فردی.

در تمام جوامع انسانی، دین به‌عنوان یکی از نهادهای اساسی جامعه، برای پاسخ‌دهی به بسیاری از نیازهای اساسی فردی و اجتماعی انسان‌ها، در تمام ادوار تاریخ وجود داشته و هیچ جامعه‌ای شناخته نشده است که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد. اگرچه اعتقادات و اعمال مذهبی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر فرق می‌کند، اما به سبب اهمیت و کارکردهایش، از آن به‌عنوان «ابرنهاد» و یا «فرانهاد»، نیز نام برده می‌شود. در ایران نیز از منظر کلان و راهبردی، پیگیری مستمر موقعیت دین حایز اهمیت فراوان است؛ زیرا موقعیت و جایگاه دین علاوه بر انسجام‌بخشی و انضباط‌آفرینی، دارای پیامدهای سیاسی و امنیتی است (صالحی امیری، ۱۳۸۷، ص ۷-۸). اما ادیان همیشه در اشکال ترکیبی و متغیر در جهان اجتماعی تبلور پیدا می‌کنند و به زیر و بم آهنگ حیات اجتماعی وابسته‌اند، و این به سبب تأثیر سنت‌ها و زمینه‌های اجتماعی و شکل‌گیری اشکال گوناگون دینداری است از این گذشته، یکی از مشخصه‌های جامعه مدرن، که جامعه‌شناسان، دین همانند دورکیم، وبر و ویلسون بسیار به آن اشاره کرده‌اند، همین «تغییر جایگاه دین و نیز دین‌داری افراد» است که معتقدند: زمینه‌های اجتماعی و شکل‌گیری اشکال دین‌داری متفاوت است و معتقدند: ممکن است حتی محرمانه و شخصی و انفرادی شود.

در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم میلادی، که جهانی شدن و جهانی‌سازی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به فرایند و روندی سریع و گسترده تبدیل شده، بیشتر سنت‌های بزرگ دینی با چالش جنبش‌ها و فرقه‌های نوپدید دینی مواجه شده‌اند که به گونه‌ای روزافزون، پیروان ادیان سنتی را به خود جلب می‌کند. در این میان، وضعیت روبه رشد این معنویت‌های جدید در ایران، که دارای حکومت سیاسی برگرفته از دین اسلام است، اهمیتی انکارناپذیر دارد. گرایش به عرفان‌های جدید، تحت عناوین گوناگون و با شیوه‌های متفاوت در کشور افزایش یافته است. گسترش و رویکرد به کتاب‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های رهبران جنبش‌های دینی، تشکیل و تبلیغ کلاس‌های خصوصی یا نیمه خصوصی، و ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی و به تدریج، به گسترش این عرفان‌ها کمک‌های زیادی کرده و بسیاری از افراد (و از جمله جوانان) را به خود جذب نموده است. مجموعه این عرفان‌ها دامنه وسیعی را شامل می‌شود، از عرفان‌های هندی و سرخ‌پوستی گرفته تا عرفان‌های مرتبط به یهودیت و مسیحیت. اما اصلی‌ترین آنها در میان فرقه‌ها و معنویت‌های وارداتی شرقی فعال در کشور، معنویت‌های «اوشو» (Osho)، «سای بابا» (Baba Sai Sri Sathya)، «کریشنا»

(*Rama krishna*) و معنویت‌های غربی از معنویت‌های آمریکایی و سرخ‌پوستی همچون «پائولو کوئیلو» (*Paulo Coelho*)، «کاستاندا» (*Carlos Cesar Salvador Arana Castaneda*)، و «اکنکار» (*Eckankar*) است. مطابق آمار، انتشار آثار مربوط به این جریان‌ها به طور مشخص از سال ۱۳۷۰ به بعد، قابل پیگیری است. به ویژه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷، ۴/۰۰۰ عنوان کتاب با شمارگان معمولاً ۱۰/۰۰۰ نسخه و بالغ بر ۱۰ بار منتشر شده است. علاوه بر این، در حوزه مطبوعات، تعداد نشریات مربوط به این حوزه به ۶۴ عنوان رسیده و در حوزه اینترنت، تعداد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مربوط به این جریان‌ها در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۱۵۰۰ نمونه بوده است (پایگاه رصدی تحلیل جنبش‌های نوپدید دینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

تنوع این فرقه‌های دینی به لحاظ سن اعضا، محل زندگی آنان (شهر، روستا، زندگی مدرن یا پسامدرن)، نحوه زندگی آنان (زندگی ریاضت‌بار یا بعکس، فعالیت‌های آزاد جنسی) و اعمال و شعائر، توجه بسیاری از جامعه‌شناسان دین را جلب نموده است. عرفان‌ها و جنبش‌های دینی، که در نام‌گذاری آنها، از اصطلاحاتی همچون، «ادیان سکولار» (*Religion secular*)، «ادیان تمثیلی» (*Religion analogique*)، «ادیان استعاره‌ای» (*Religion metaphorique*)، «ادیان بی‌شکل» (*Religion informel*)، «ادیان موازی» (*Religion parallel*)، «ادیان خودساخته» استفاده می‌شود، از دریچه‌های خاص به جهان و معنویت و گاهی به خدا نگریسته و بر این اساس، نقد شده‌اند. آنچه امروز در فرهنگ دینی کشور ایران به چشم می‌خورد اختلاط و آمیختگی سه فرهنگ اسلامی، شرقی و غربی است که نبود تعادل میان این اجزا، تا حد زیادی به چندگانگی هویت دینی در کشور دامن زده است. گسترش عرفان‌های نوپدید در ایران و روح تعالیم این عرفان‌ها، مؤلفه‌ها و آموزه‌هایی دارد که آشکار با فرهنگ اسلامی در تعارض است، برای همان، تأکید بر آزادی، فردگرایی و لذت‌پرستی. مسئله عرفان‌های نوظهور را می‌توان از جنبه‌های دیگری نیز بررسی کرد؛ مثلاً، از نظر نوع افرادی که به این‌گونه عرفان‌ها گرایش دارند، یا میزان نفوذ این‌گونه عرفان‌ها در جوامع گوناگون اما در حالت کلی، می‌توان گفت: که این عرفان‌ها در بسیاری از حالات، به لحاظ معنایی و محتوایی با آنچه در جامعه ما و دین اسلام وجود دارد، تفاوت دارند. در هر صورت، لازم است گام‌هایی در جهت شناخت صحیح و شناسایی دقیق آنها برداشته شود.

بیشتر تحقیقاتی که در ایران در زمینه جنبش‌های دینی جدید انجام گرفته نظری بوده و کمتر پژوهش تجربی در این زمینه صورت پذیرفته است. براین اساس، در این پژوهش، محققان برآنند تا با

روش «تحلیل محتوا»، به مطالعه آموزه‌ها و ابعاد اجتماعی و فردی دو نمونه از این جنبش‌های دینی فعال در کشور، یعنی عرفان‌های هندی و سرخ‌پوستی پردازند و اشتراکات و افتراقات آنها را بکاوند. بر این اساس، سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود: آموزه‌های اجتماعی و فردی هر یک از این عرفان‌ها کدامند؟ و به عبارت دیگر، در هر یک از عرفان‌های در دست مطالعه، بر کدام یک از انواع و مؤلفه‌های آموزه‌های اجتماعی و فردی بیشتر تأکید شده است؟

در مجموع، این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات است:

- عرفان‌های هندی «اوشو» و سرخ‌پوستی «کوئیلو» تا چه حد بر آموزه‌های اجتماعی و تا چه اندازه بر آموزه‌های فردی تأکید دارند؟

- در عرفان «اوشو»، بر کدام یک از مؤلفه‌های آموزه‌های اجتماعی بیشتر تأکید شده است؟

- در عرفان «اوشو» بر کدام یک از مؤلفه‌های آموزه‌های فردی بیشتر تأکید شده است؟

- در عرفان سرخ‌پوستی «کوئیلو» بر کدام یک از مؤلفه‌های آموزه‌های اجتماعی بیشتر تأکید شده است؟

- در عرفان سرخ‌پوستی «کوئیلو» بر کدام یک از مؤلفه‌های آموزه‌های فردی بیشتر تأکید شده است؟

- در تقابل آموزه‌های اجتماعی و فردی، کدام یک وزن بیشتری در محتوای این عرفان‌ها دارد؟

مباحث نظری و پیشینه مطالعات انجام شده

اخیراً مطالعه جنبش‌های نوین دینی توجه زیادی را در مطالعات جهانی و به‌ویژه در ایران به خود اختصاص داده است؛ با این وصف که بیشتر درصدد بیان علل و عوامل بسترساز و به وجود آورنده آنها بوده‌اند. در زمینه پیدایش و گسترش عرفان‌های نوپدید نیز نظریه‌های زیادی وجود دارد، ولی چون این تحقیق در پی بررسی آموزه‌های این عرفان‌هاست؛ از نظریاتی که به ماهیت و محتوای عرفان‌های نوظهور پرداخته‌اند، استفاده شده است که در ادامه، به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

از نظر گوردون ملتون (*Gordon milton*)، جنبش‌های نوپدید دینی، ابعاد و جنبه‌هایی دارند که مایه نوپدید بودن آنها می‌شود (ملتون، ۱۹۹۹).

بین بریج (*Bainbridge*) نیز به نقل از بتون جانسون، ویژگی‌های اصلی فرقه‌های مذهبی را

این‌گونه برمی‌شمارد:

- جدایی از اجتماع کلی و برخورداری از ارزش‌ها و نگرش متفاوت؛

- تمایل به تضعیف نگرش‌ها و ساختار اجتماعی؛

- تأکید بر تجربه درون قلبی اعضا؛

- عضویت داوطلبانه؛

- روحیه بازآفرینی؛

- غلبه روحیه فردی و اخلاق طبیعی (حاجیان، ۱۳۸۳، ص ۲۳۷).

همچنین بین بریج (۱۹۹۲) برای تبیین فرایند عضویت افراد در ادیان جدید، به کارگیری دو نظریه جامعه‌شناختی؛ یعنی نظریه «فشار» و نظریه «نفوذ اجتماعی» را پیشنهاد کرده است. بر اساس نظریه «فشار»، افراد برای به دست آوردن آن دسته از نیازهای معمول و عادی، که ممنوعیت‌ها و محرومیت‌های جمعی یا فردی نامتعارف، مانع برآورده شدن آنها شده است، به یک دین یا جنبش دینی خاص می‌پیوندند. به عبارت دیگر، در پیوستن به یک گروه دینی، شخص آن نوع جهان‌بینی را درخصوص زندگی اتخاذ می‌کند که محرومیت (تهدید) را به فضیلت (فرصت) تبدیل سازد. همچنین بر اساس نظریه «نفوذ اجتماعی»، علت پیوستن افراد به گروه‌های دینی آن است که آنها با اشخاص عضو این گروه‌ها، پیوندهای اجتماعی قوی شکل داده‌اند، درحالی‌که پیوندهای آنها با غیر اعضای این گروه‌ها ضعیف است.

ژان پل ویلم یکی از اشکال معنویت‌گرایی در عصر حاضر را این‌گونه توصیف می‌کند: این نمونه، گروه خاصی را تشکیل نمی‌دهد و بلکه همچون توده‌ای سحابی شکل، متشکل از گروه‌های بسیار سیال و روان است که مردم آزادانه بین آنها رفت و آمد می‌کنند، بدون آنکه به صورت پایدار عضو یکی از آنها باشند. ویلم بر این باور است که این فرقه‌های آیینی، که عمدتاً تحت تأثیر ادیان باطنی شرقی پدید آمده‌اند و نوعاً کارکردهای روان‌درمانی دارند، در واقع، نوعی مقاومت کم‌رنگ در برابر عرفی‌شدن تمام زندگی محسوب می‌شوند.

در ادامه، به عمده‌ترین پژوهش‌هایی که در خصوص موضوع تحقیق در داخل و خارج انجام شده است، همراه با نتایج‌شان اشاره می‌گردد:

کرمانی (۱۳۸۳) در پژوهشی در زمینه گرایش انسان معاصر به عرفان، به این نکته اشاره می‌کند که انسان امروز به جای آنکه بخواهد خود را به سنت دینی خاص پایبند کند و از دینی رسمی و ایدئولوژیک بهره‌برد، به سمت تجربه‌کردن و شخصی‌کردن آن روی آورده است.

وکیلی جنبش‌ها و جریان‌های نوپدید دینی را دارای ویژگی‌هایی همچون سهل‌گیری در شریعت، فقدان مبانی نظری در الهیات، اومانیسیم و تحمل ادیان دیگر دانسته و علل شکل‌گیری آنها را عواملی از

قبیل بحران هویت دینی، و ظهور شخصیت‌های کاریزماتیک می‌داند و در نهایت، به این نتیجه رسیده است که بحران رویایی سنت و مدرنیته، پدیده «جهانی شدن»، عوارض ناشی از جنگ هشت ساله، و پوشش قوی فرهنگی و رسانه‌ای امپریالیسم از جمله علل و عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اقبال جامعه ایران به این جنبش‌ها هستند (وکیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰-۱۲۳).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر در پی بررسی تطبیقی آموزه‌های اجتماعی و فردی عرفان‌های هندی «اوشو» و سرخ‌پوستی «کوئلیو» است. یکی از ابعاد مهم پژوهش‌ها توجه به روش‌شناسی آنهاست. این پژوهش از نوع «توصیفی» یا «غیرآزمایشی» است؛ زیرا پدیده‌ها بدون دست‌کاری و در حالت طبیعی بررسی شده‌اند. روش انجام تحقیق، «کیفی» و به صورت «تحلیل محتوا» است که یکی از روش‌های شناخته شده در مطالعات مربوط به محتوای پیام‌های ارتباطی به شمار می‌آید.

هدف این تحقیق، تحلیل ویژگی پیام‌های کتاب‌ها به صورت تطبیقی است و نمونه در دست تحلیل، کتاب‌های مربوط به این فرقه‌های نوپدید دینی (اوشو و پائوکوئلیو)، و واحد تحلیل، جمله است. لازم به ذکر است که روش تحلیل محتوا در مقایسه با سایر فنون تحقیق اجتماعی، همچون آزمایش، مصاحبه و پرسش‌نامه که مستعد ایجاد اختلال هستند، فنی غیر مغل است و همچنین می‌تواند از پس حجم عظیمی از داده‌ها برآید (کرپیندورف، ۱۳۸۶، ص ۹).

در این تحقیق، از دو روش عمده برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است: برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، از «مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی»، و برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به داده‌های آماری از روش «تحلیل محتوا» (که اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش است) استفاده شده است. برای تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعه شده (نمونه آماری)، مؤلفه‌ها و مقوله‌هایی در ارتباط با آموزه‌های اجتماعی همچون مسئولیت، آزادی، اعتماد، و خانواده) و آموزه‌های فردی (همچون خلاقیت، شهامت، و فردگرایی)، که بر اساس مطالعات پیشین به صورت پیش‌فرض مد نظر بود و کلمات مرتبط با این مقوله‌ها و فراوانی آنها (تعداد دفعات تکرار این کلمات و نیز تقارن آنها با کلمات دیگر و مقوله‌های دیگر) ثبت شد. در طول مطالعه، علاوه بر این موضوعات، نکات دیگری نیز به دست آمد که آنها نیز بررسی شدند، و با توجه به اینکه در تحلیل محتوا، کار محاسبه عمدتاً مبتنی بر گردآوری داده‌ها و اعمال سازه‌های تحلیل است، رایج‌ترین شکل ارائه داده‌ها،

که اساساً وظیفه تلخیص بر عهده دارد، فراوانی‌ها هستند؛ فراوانی‌های مطلق یا فراوانی‌های نسبی و درصدها (همان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷-۱۴۸).

جامعه آماری، تمام کتاب‌های اوشو و پائولو کوئلیو بوده که به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. نمونه آماری نیز ۱۰ درصد کتاب‌های اوشو و پائولو کوئلیو بوده که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده است. کتاب‌های اوشو. که به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شده عبارتند از: *شهامت*، *بلوغ*، *آینده طلایی*، *الماس‌هاس اوشو*، *عشق*، *پرنده‌ای آزاد و رها*، *خلافت*.

کتاب‌های پائولو کوئلیو هم که برای نمونه انتخاب شده عبارتند از: *کوه پنجم*، *کیمیاگر*، *مکتوب*.

خاطرات یک مغ

به سبب آنکه کتاب‌ها بیشتر به صورت بخش‌بخش بود و امکان داشت مباحث بخش‌ها درباره موضوعات کاملاً متفاوت باشد، همه کتاب‌هایی که نمونه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌داد، به صورت تمام مطالعه شد. به عبارت دیگر، در داخل متن کتاب‌ها، هیچ‌گونه نمونه‌گیری در خصوص صفحات یا بندها و سطرها انجام نشد. حجم جامعه و نمونه آماری در جدول ذیل نشان داده می‌شود:

جدول (۱): حجم جامعه و نمونه آماری

نمونه آماری	جامعه آماری		
۶	۶۴	اوشو	عرفان هندی
۴	۳۶	پائولو کوئلیو	عرفان سرخ‌پوستی

مفاهیم اصلی

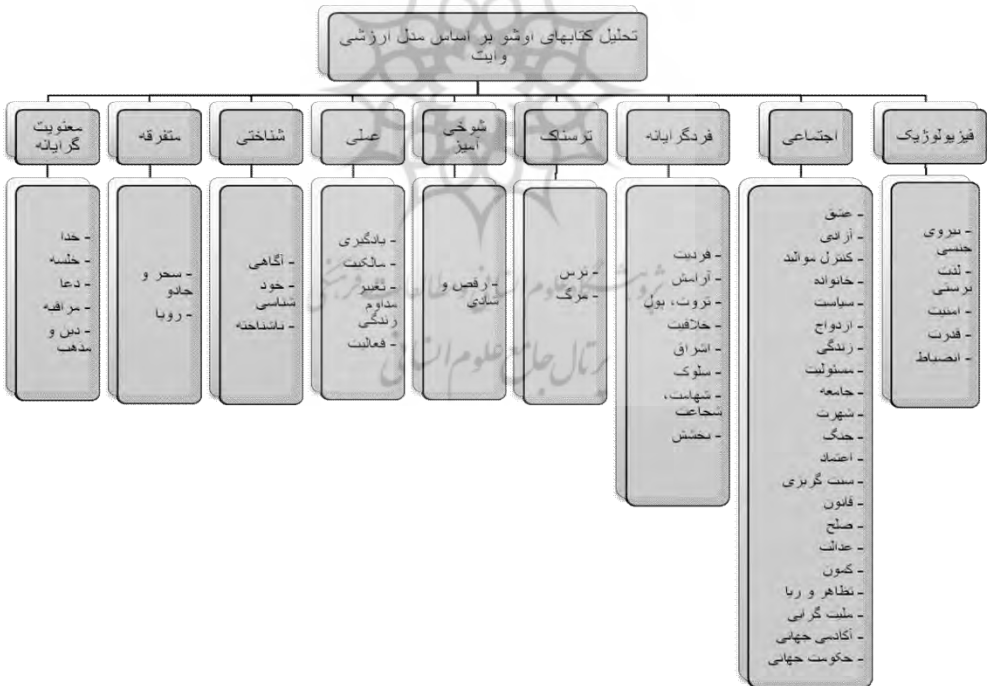
در تحقیقاتی که با روش «تحلیل محتوا» انجام می‌گیرد، انتخاب موضوع یکی از حساس‌ترین بخش‌های تحقیق است. در این پژوهش، که مقوله‌های آموزه‌های اجتماعی (آزادی، مسئولیت، عدالت، اعتماد و...) و آموزه‌های فردی (فردگرایی، خلاقیت، شهامت، بخشش و...) را مطالعه کرده، تعدادی بر اساس تحقیقات قبلی و به صورت پیش‌فرض مد نظر بوده، اما تعدادی نیز در حین انجام تحقیق مشخص شده است.

یافته‌های تحقیق

پیش‌تر گفتیم که در روش «تحلیل محتوا»، کار اساسی استفاده از مقوله‌ها و مؤلفه‌هاست، در این تحقیق، برای بیان بهتر و گویاتر آموزه‌های کتاب‌ها، از مقوله‌بندی (مقوله‌های ارزشی وایت) استفاده شده است.

چنان‌که در شکل (۱) ملاحظه می‌شود، در تحلیل کتاب‌های اوشو بر اساس الگوی ارزشی وایت، بیشترین تمرکز از نظر تعداد زیر مقوله‌ها، بر مقوله اجتماعی است که مفاهیم جای گرفته در آن عبارتند از: ازدواج، زندگی، آزادی، سیاست، جامعه، مسئولیت، ملیت‌گرایی، جنگ، شهرت، صلح، آکادمی جهانی، حکومت جهانی، کمون، سنت‌گریزی و کنترل موالید. مقوله فردگرایانه نیز (فردگرایی، شهامت و شجاعت، سلوک، بخشش، خلاقیت، اشراق و بیداری، پذیرشگری و آرامش) در مرتبه دوم تمرکز قرار دارد. مقوله فیزیولوژیک، که مفاهیم رابطه جنسی، لذت‌پرستی، انضباط، قدرت و امنیت در آن جای داده شده، در مرتبه سوم تمرکز است. پس از اینها، مقوله‌های معنویت‌گرایانه (خدا، دعا، مراقبه، خلسه و دین و مذهب)، عملی (یادگیری، تغییر مداوم زندگی، فعالیت و مالکیت)، شناختی (آگاهی، خودشناسی و ناشناخته)، ترسناک (ترس و مرگ)، متفرقه (سحر و جادو) و شوخی‌آمیز (رقص و شادی) در مراتب بعدی قرار دارند. در شکل زیر، تحلیل آموزه‌های اوشو بر اساس الگوی وایت نمایش داده شده است:

شکل (۱): تحلیل کتاب‌های اوشو بر اساس الگوی ارزشی وایت

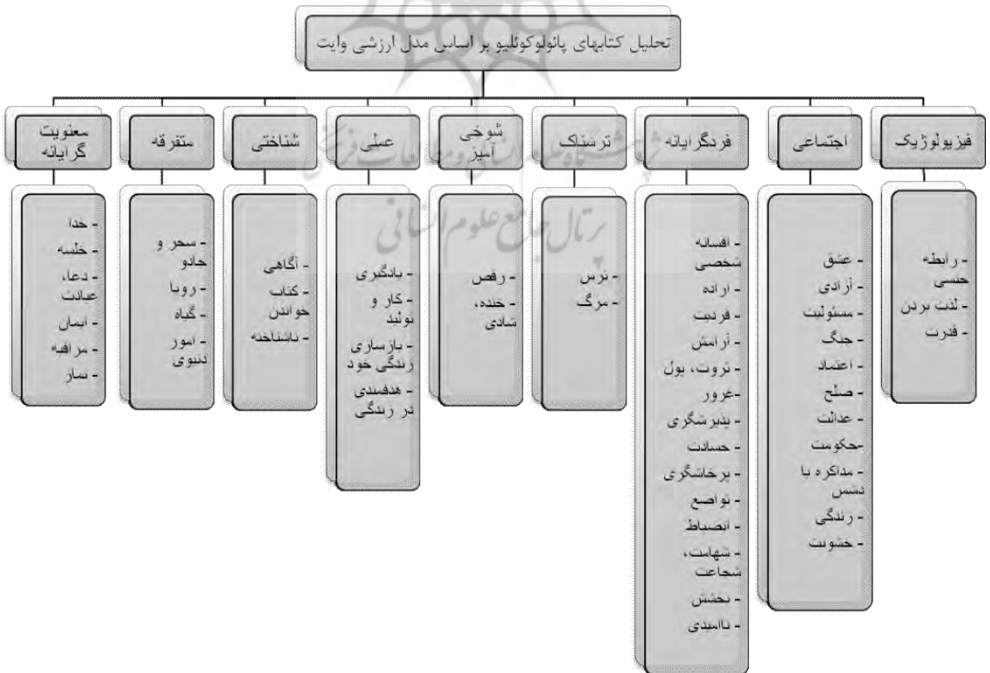


مروری بر مقولات برآمده نشان می‌دهد که آموزه‌های اوشو غالباً بر رشد و تعالی شخصیتی از راه‌های گوناگون متمرکز است؛ مثلاً از طریق عشق، لذت‌پرستی، قدرت، انضباط، مراقبه، خلسه، رقص و شادی.

اوشو برای ارتقای شخصیتی منظور خود، از تمام ظرفیت‌های انسانی بدون توجه به حدود و ثغور آن در ادیان رسمی بهره می‌گیرد. بر این اساس، آموزه‌های وی از حدود ادیانی مثل اسلام فراتر رفته، و به مرزشکنی آنها مرتبط است.

شکل (۲) نیز، که تحلیل کتاب‌های پائولو کوئلیو با الگوی ارزشی وایت است، گویای این است که زیر موضوعات فردگرایی عبارت است از: افسانه شخصی، اراده، شهامت و شجاعت، غرور و خودپسندی، بخشش، فردیت، امیدواری، حسادت، پرخاشگری، تواضع، پول و ثروت، و پذیرشگری که دارای بیشترین تعداد بوده و در مرتبه اول، و مقوله اجتماعی با موضوعات عشق، عدالت، جنگ، اعتماد، مسئولیت، صلح، آزادی، حکومت، زندگی، خشونت، و ازدواج، در مرتبه دوم تمرکز قرار دارد. مقوله‌های معنویت‌گرایانه (خدا، خلسه، مراقبه، دعا و عبادت، ایمان و مذهب، و نماز)، فیزیولوژیک (رابطه جنسی، لذت‌پرستی، انضباط، قدرت، و نوشیدن شراب)، عملی (یادگیری، کار و تولید، تغییر و بازسازی زندگی خود، و هدفمندی در زندگی)، متفرقه (رؤیا، امور دنیوی، و سحر و جادو)، شناختی (آگاهی، کتاب خواندن، و ناشناخته) و ترسناک (ترس و مرگ) - به ترتیب - در مراتب بعدی قرار دارند. شکل زیر تحلیل آموزه‌های پائولو کوئلیو بر اساس الگوی ارزشی وایت را نشان می‌دهد:

شکل (۲) تحلیل کتاب‌های پائولو کوئلیو بر اساس الگوی ارزشی وایت



مقایسه این دو شکل، نشان‌دهنده آن است که از نظر تعداد زیرمقوله‌ها، بیشترین تمرکز کتاب‌های اوشو بر مقوله اجتماعی، و در کتاب‌های پائولو کوئلیو بر مقوله فردگرایانه است.

اما برای اینکه سهم این مقوله‌ها در کتاب‌های هر یک از این نویسندگان به صورت دقیق مشخص گردد، در جدول شماره (۲) فراوانی و درصد هر یک آورده شده است.

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌گردد، در کتاب‌های اوشو، مقوله‌های اجتماعی با $40/8$ درصد دارای بیشترین درصد فراوانی، و مقوله‌های متفرقه با $2/8$ درصد دارای کمترین درصد فراوانی است. مقوله‌های فردگرایانه دارای $16/5$ درصد، مقوله‌های معنویت‌گرایانه $12/3$ درصد، مقوله‌های ترسناک $8/8$ درصد، مقوله‌های شناختی $6/1$ درصد، مقوله‌های شوخی‌آمیز $4/8$ درصد، مقوله عملی $3/9$ درصد و مقوله‌های فیزیولوژیک دارای $3/9$ درصد فراوانی است.

در کتاب‌های پائولو کوئلیو، مقوله‌های اجتماعی با $39/6$ درصد، بیشترین درصد فراوانی و مقوله‌های متفرقه با $0/6$ درصد، کمترین درصد فراوانی را داراست. مقوله معنویت‌گرایی با $22/3$ درصد و مقوله‌های فردگرایانه با $17/4$ درصد، پس از مقوله‌های اجتماعی، دارای بیشترین درصد فراوانی هستند. مقوله‌های ترسناک با $8/8$ درصد، مقوله‌های شوخی‌آمیز با $3/7$ درصد، مقوله‌های عملی با 3 درصد، مقوله‌های شناختی با $7/2$ درصد و مقوله‌های فیزیولوژیک با 2 درصد فراوانی در مراتب بعدی قرار دارند.

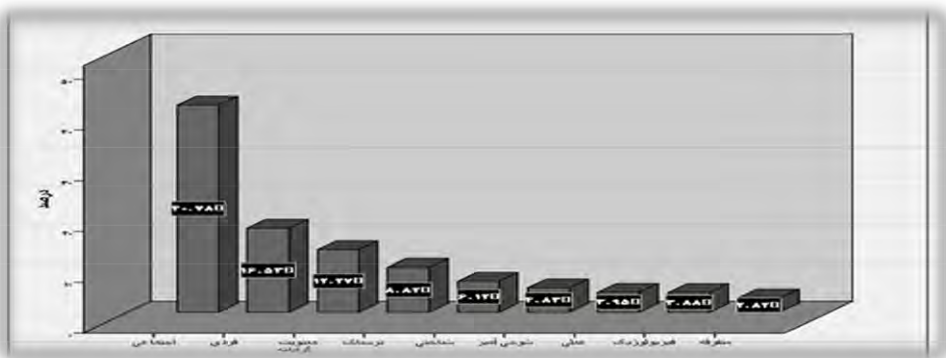
مقایسه درصد‌های فراوانی مقوله‌ها در کتاب‌های اوشو و پائولو کوئلیو بیانگر آن است که با وجود آنکه شکل (۲) نشان می‌داد در کتاب‌های کوئلیو تمرکز اصلی بر مقوله‌های فردگرایانه است، اما در کتاب‌های هر دو نویسنده، مقوله‌های اجتماعی دارای بیشترین درصد فراوانی است. در کتاب‌های اوشو، پس از مقوله‌های اجتماعی، مقوله‌های فردگرایانه دارای بیشترین درصد فراوانی است، اما در کتاب‌های کوئلیو مقوله‌های معنویت‌گرایی در این سطح قرار دارد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که تأکید بر معنویت‌گرایی در کتاب‌های کوئلیو بیشتر است. اما هم در کتاب‌های اوشو و هم در کتاب‌های کوئلیو، بر مقوله‌های اجتماعی بیش از مقوله‌های فردی تأکید شده و این اختلاف تأکید تقریباً 3 برابر است؛ یعنی بر مقوله‌های اجتماعی 3 برابر بیش از مقوله‌های فردگرایانه تأکید شده است.

جدول (۲): فراوانی‌ها و درصد‌های موضوعات در کتاب‌های اوشو و کوئلیو

مقوله‌ها	فراوانی	پانولو کوئلیو	اوشو
فیزیولوژیک	فراوانی	۷۹	۳۳۷
	درصد	۲	۳٫۹
اجتماعی	فراوانی	۱۵۷۶	۳۵۴۵
	درصد	۳۹٫۶	۴۰٫۸
فردی	فراوانی	۶۴۹	۱۴۳۷
	درصد	۱۷٫۴	۱۶٫۵
ترسناک	فراوانی	۳۵۰	۷۶۷
	درصد	۸٫۸	۸٫۸
عملی	فراوانی	۱۱۸	۳۴۳
	درصد	۳	۳٫۹
شناختی	فراوانی	۱۰۹	۵۳۲
	درصد	۲٫۷	۶٫۱
شوخی‌آمیز	فراوانی	۱۴۶	۴۲۰
	درصد	۳٫۷	۴٫۸
معنویت‌گرایانه	فراوانی	۸۸۷	۱۰۶۷
	درصد	۲۲٫۳	۱۲٫۳
متفرقه	فراوانی	۲۴	۲۴۵
	درصد	۰٫۶	۲٫۸
جمع	فراوانی	۳۹۸۳	۸۶۹۳
	درصد	۱۰۰	۱۰۰

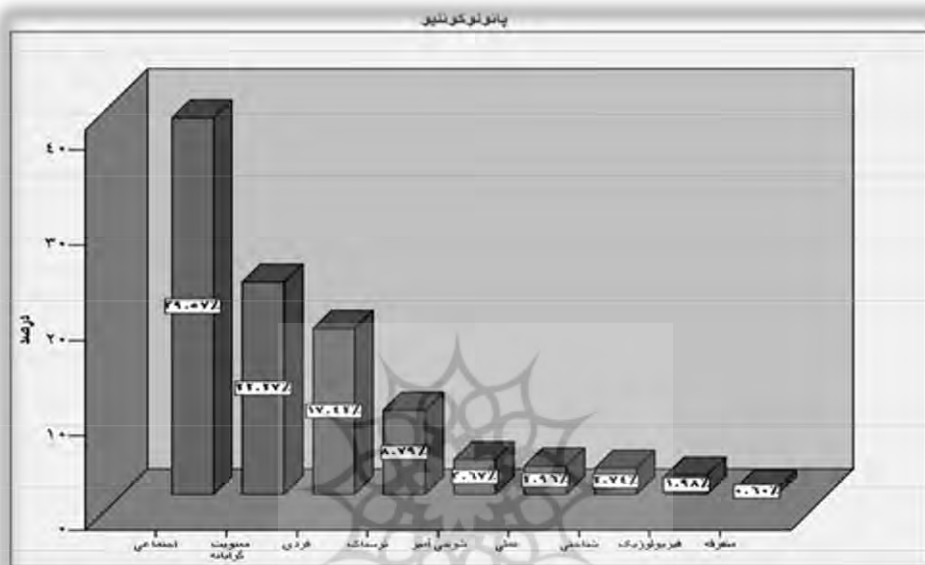
نمودار ذیل، درصد مقوله‌ها را در کتاب‌های اوشو- به ترتیب - از بیشترین به کمترین نشان می‌دهد. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، در کتاب‌های اوشو بیشترین درصد متعلق به مقوله اجتماعی است.

نمودار (۱): درصد مقوله‌های کتاب‌های اوشو



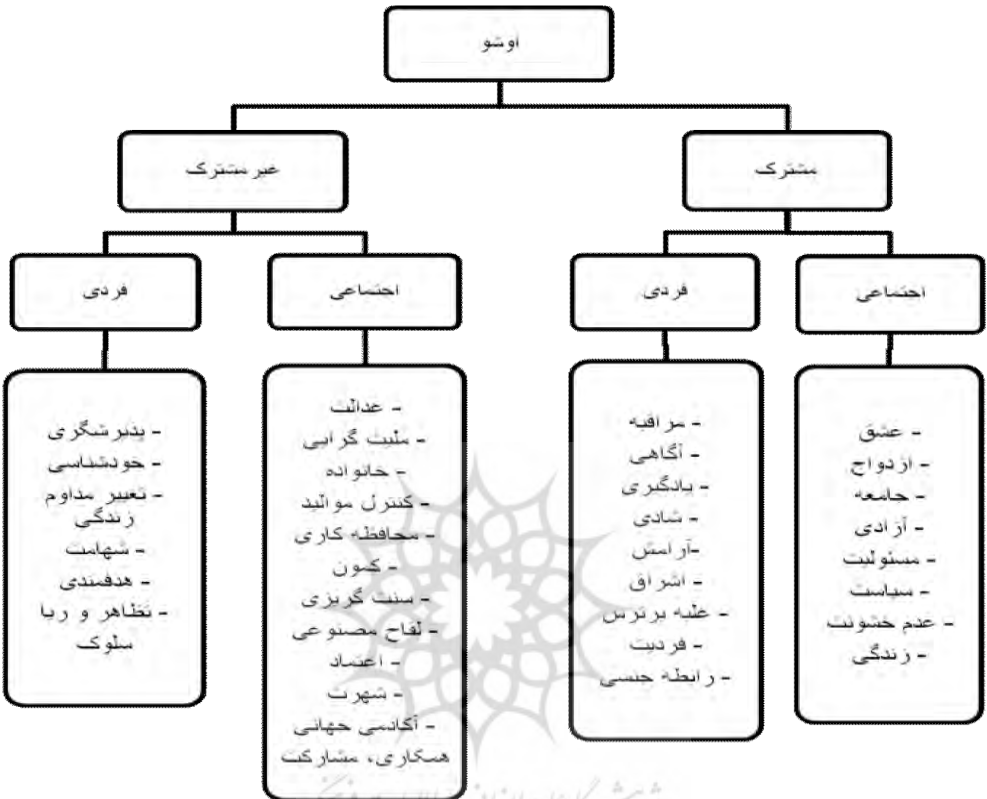
نمودار (۲): نیز مقوله‌ها را در کتاب‌های کوئلیو نشان می‌دهد. در کتاب‌های وی بیشترین درصد فراوانی متعلق به مقوله اجتماعی است.

نمودار (۲): درصد مقوله‌های کتاب کوئلیو



از آن رو که تأکید اصلی این پژوهش بر تفکیک مقوله‌های اجتماعی و فردی مشترک و غیرمشترک کتاب‌های این نویسندگان است، آموزه‌ها به صورت مذکور نیز تفکیک شده است. شکل (۳) مقوله‌های اجتماعی و فردی مشترک و غیرمشترک کتاب‌های /وشو را نشان می‌دهد. همچنان‌که از شکل پیداست، زیرمقوله‌های جامعه، سیاست، مسئولیت، آزادی، خشونت، عشق، زندگی، و ازدواج آموزه‌های اجتماعی مشترک، و زیرمقوله‌های عدالت، ملیت‌گرایی، کنترل موالید، قدرت، محافظه‌کاری، کمون، آکادمی جهانی، سنت‌گریزی، لقاح مصنوعی، اعتماد، و شهرت، آموزه‌های اجتماعی غیرمشترک کتاب‌های /وشو هستند. در ارتباط با مقوله فردی نیز زیرمقوله‌های آگاهی، آرامش، مراقبه، فردیت، رقص و شادی، یادگیری، اشراق و بیداری، لذت‌پرستی، رابطه جنسی، و ترس، آموزه فردی مشترک، و زیرمقوله‌های خلسه، پذیرشگری، سلوک، خودشناسی، تغییر مداوم زندگی، شهامت، بخشش، هدفمندی، و ریا آموزه‌های فردی غیرمشترک کتاب‌های /وشو هستند.

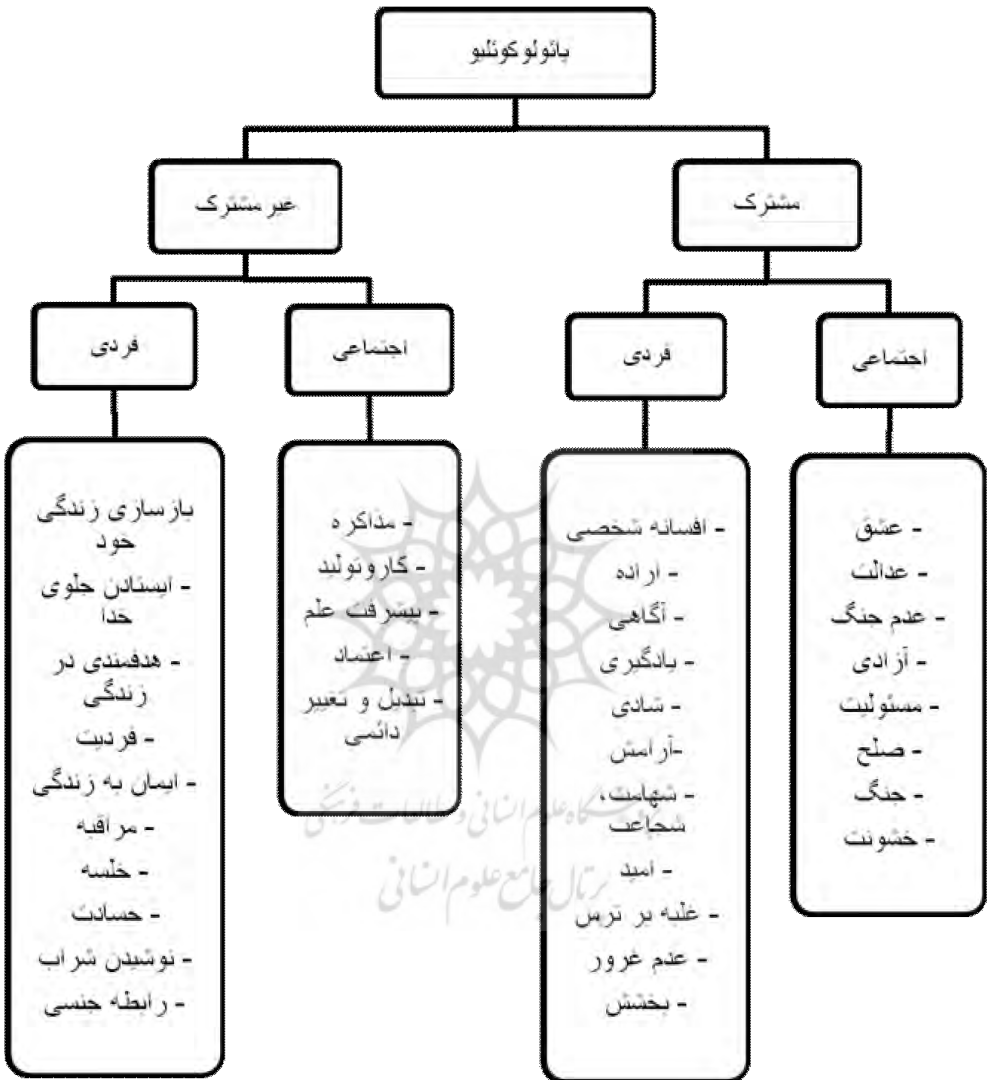
شکل (۳): آموزه‌های اجتماعی و فردی مشترک و غیرمشتک کتاب‌های اوشو



تفکیک مشابهی در خصوص آموزه‌های اجتماعی و فردی مشترک و غیرمشتک کتاب‌های پائولو کوئلیو نیز به عمل آمده است که نشان می‌دهد در کتاب‌های کوئلیو تحت عنوان اجتماعی، زیرمقوله‌های عشق، عدالت، جنگ، آزادی، مسئولیت، صلح و خشونت، آموزه‌های اجتماعی مشترک، و زیرمقوله‌های مذاکره با دشمن، کار و تولید، اعتماد، و تغییر و تبدیل دایمی زندگی، آموزه‌های اجتماعی غیرمشتک هستند.

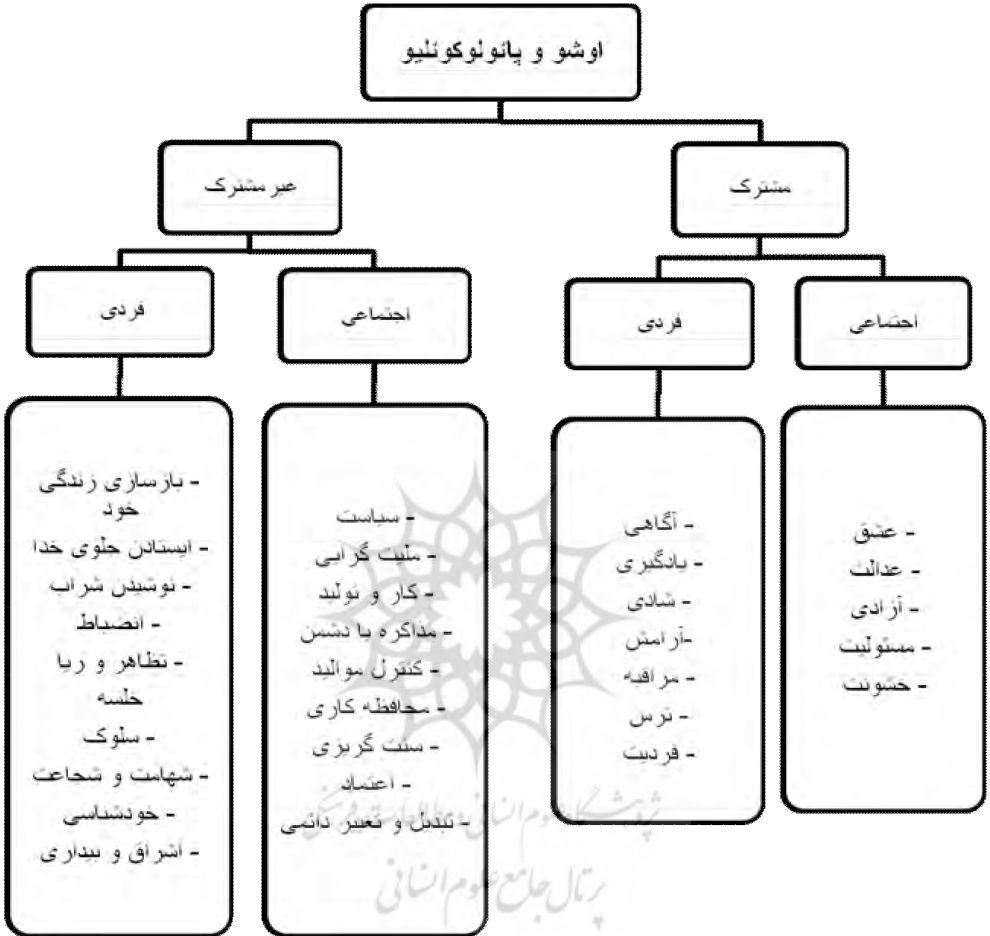
تحت عنوان فردی نیز زیرمقوله‌های افسانه شخصی، اراده، آگاهی، یادگیری، شادی، شهامت و شجاعت، امیدواری، ترس، غرور، و سخاوتمندی آموزه‌های مشترک، و زیرمقوله‌های بازسازی زندگی خود، فردگرایی، مراقبه، خلسه، حسادت و ایمان به زندگی، آموزه‌های فردی غیرمشتک کتاب‌های کوئلیو هستند. شکل زیر آموزه‌های مشترک و غیرمشتک کتاب‌های کوئلیو را نشان می‌دهد:

شکل (۴): آموزه‌های اجتماعی و فردی مشترک و غیرمشترک کتاب‌های پائولو کولتلیو



تلفیق این دو شکل نیز بیانگر آن است که عشق، آزادی، مسئولیت، خشونت و عدالت آموزه‌های اجتماعی مشترک، و آگاهی، یادگیری، آرامش، ترس، مراقبه، و فردگرایی آموزه‌های فردی مشترک کتاب‌های اوشو و کولتلیو هستند؛ یعنی هم اوشو و هم پائولو کولتلیو بر این آموزه‌ها تأکید کرده‌اند. شکل ذیل این آموزه‌های مشترک و نیز آموزه‌های غیرمشترک را نشان می‌دهد:

شکل (۵): آموزه‌های اجتماعی و فردی مشترک و غیرمشترک کتاب‌های اوشو و کوئلیو



همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، علاوه بر فراوانی‌ها و درصد فراوانی‌های مقوله‌ها، برای درک بهتر منظور نویسنده از مفاهیم و کلمات مطرح شده، تقارن آنها با کلمات دیگر نیز مد نظر قرار گرفته و استخراج شده است. جدول (۳) این تقارن‌ها را در کتاب‌های اوشو نمایش می‌دهد. بر اساس جدول، عشق با کلمات خدا، خلاقیت، شادی، مراقبه، فردگرایی، آزادی، آرامش، رابطه جنسی، آگاهی، ترس و سیاست دارای تقارن هستند؛ یعنی از نظر اوشو، راه رسیدن به خدا، خلاقیت، شادی، مراقبه، فردگرایی، آزادی، آرامش، و آگاهی، و نیز یکی از راه‌های غلبه بر ترس، عشق است. از سوی دیگر، وی معتقد است: سیاست‌مداران جامعه با عشق مخالف هستند. سرانجام اینکه اوشو بر این باور است که عشق از رابطه جنسی زاییده

می‌شود. دومین آموزه «مراقبه» است که همانند عشق، اوشو آن را راه رسیدن به خدا، خلاقیت، شادی، مراقبه، فردگرایی، آزادی، آرامش و آگاهی و نیز یکی از راه‌های غلبه بر ترس معرفی می‌کند.

از نظر اوشو، آزادی و آکادمی جهانی موجب شادی، خلاقیت، فردگرایی و آگاهی می‌شوند، اما سیاستمداران جامعه با آنها مخالفند. از دیدگاه اوشو، سیاستمداران و جامعه مخالف عشق، خلاقیت، فردگرایی، مسائل جنسی و آگاهی بوده و فقط به دنبال قدرت و جنگ هستند. وی خدا را نیز موجب عشق، شادی، خلاقیت، آزادی و آگاهی، و راه جلوگیری از ترس می‌داند، اما بر این باور است که دین مخالف سیاست، جنگ و مسائل جنسی است. در جدول ذیل، این تقارن‌ها نمایش داده شده است:

جدول (۳): تقارن آموزه‌های کتاب‌های اوشو

عشق	سیاست	شادی	خلاقیت	فردگرایی	مسائل جنسی	آزادی	آرامش	ترس	آگاهی	آرامش	قدرت
عشق	+	-	+	+	+	+	+	-	+		
مراقبه	+	-	+	+	+	+	+	-	+		
آزادی	+	-	+	+	+	+	+	-	+		
خدا	+	+	+	+	+	+	+	-	+		
سیاست	-		-	-	-	-	-	+	+	+	
جامعه	-		-	-	-	-	-		-		
دین، مذهب	-		-	-	-	-	-		-		

جدول (۴) نیز تقارن آموزه‌ها در کتاب‌های پائولو کوئلیو را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، کوئلیو خدا را با عشق، سخاوتمندی، شادی، افسانه شخصی، عدالت، دعا و عبادت، و مسئولیت متقارن آورده است؛ به این معنا که وجود خدا در زندگی افراد، موجب عشق، شادی، افسانه شخصی، عدالت، دعا و عبادت، مسئولیت، و سخاوتمندی و مانع ترس می‌شود. مفهوم دیگری که کوئلیو بسیار بر آن تأکید کرده، «افسانه شخصی» است که معتقد است: افسانه شخصی در زندگی هر کس موجب رسیدن به خدا، عشق، سخاوتمندی و شهامت می‌گردد. کوئلیو همچنین معتقد است: زندگی فرد باید با خدا، عشق، آزادی و افسانه شخصی همراه و ملازم باشد. نهایت اینکه از نظر وی، خدا، عشق، شهامت و شادی راه‌های غلبه بر ترس هستند. در جدول ذیل این تقارن‌ها مشهود است:

جدول (۴): تقارن آموزه‌های کتاب‌های پائولو کوئلیو

مسئله	دعا و عبادت	عدالت	زندگی	افسانه شخصی	شادی	تپان	سخاوت‌مندی	عشق	فدا	
+	+	+	+	+	+		+	+		خدا
		+	+	+	+	+	+		+	عشق
+	+			+	+		+	+	+	زندگی
			+			+		+	+	آزادی
					-	-		-	-	ترس
			+			+	+	+	+	افسانه شخصی

به منظور بیان معنادار یا تصادفی اختلاف فراوانی مقوله‌ها در کتاب‌های هر نویسنده و به صورت کلی در آموزه‌های عرفان‌های هندی /وشو و سرخ‌پوستی کوئلیو، از تحلیل کی دو (کای اسکویر) استفاده شده است.

جدول (۵) کی دو تک متغیره مربوط به کتاب‌های /وشو را نشان می‌دهد. با توجه به جدول، که مقدار sig: 0/000 است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت فراوانی مقوله‌ها در کتاب‌های /وشو معنادار است.

جدول (۵): آزمون کی دو

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار Chi-square
۰/۰۰۰	۸	۹۰۲۰/۷

جدول (۶) نیز کی دو کتاب‌های پائولو کوئلیو را نمایش می‌دهد. با توجه به اینکه sig: 0/00۰ بوده و بیانگر آن است که تفاوت فراوانی مقوله‌ها معنادار است.

جدول (۶): آزمون کی دو

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار Chi-square
۰/۰۰۰	۸	۴۸۹۴/۱

نتیجه‌گیری

در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم میلادی، که جهانی شدن و جهانی‌سازی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به فرایند و روندی سریع و گسترده تبدیل شده، بیشتر سنت‌های بزرگ دینی با چالش جنبش‌ها و فرقه‌های نوپدید دینی مواجه شده است که به طور روزافزونی پیروان ادیان سستی را به خود جلب می‌کند. در این میان، وضعیت روبه رشد این معنویت‌های جدید در ایران، که دارای حکومت

سیاسی برگرفته از دین اسلام است، دارای اهمیتی انکارناپذیر است. گسترش عرفان‌های نوپدید در ایران و روح تعالیم این عرفان‌ها، دارای مؤلفه‌ها و آموزه‌هایی است که با فرهنگ اسلامی در تعارض آشکار است. در این تحقیق، آموزه‌های اجتماعی و فردی عرفان‌های هندی (اوشو) و عرفان‌های سرخ‌پوستی (پائولو کوئلیو) با روش «تحلیل محتوا» مطالعه شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در تحلیل بر اساس الگوی ارزشی و/یت، از نظر تعدد زیرمقوله‌ها، در کتاب‌های اوشو بیشترین تأکید بر آموزه‌های اجتماعی، و در کتاب‌های پائولو کوئلیو، بیشترین تأکید بر آموزه‌های فردی است. اما بر اساس درصدهای فراوانی، بیشترین درصد فراوانی متعلق به آموزه‌های اجتماعی است (در عرفان هندی/اوشو ۴۰/۸ درصد و در عرفان سرخ‌پوستی کوئلیو ۳۹/۶ درصد). آموزه‌ها به آموزه‌های اجتماعی و فردی مشترک و غیرمشترک نیز تقسیم شد. در کتاب‌های اوشو، مسئولیت، آزادی، عشق، نفی خشونت و مانند آن آموزه‌های اجتماعی مشترک، و آگاهی، مراقبه، شادی، فردگرایی، رابطه جنسی و مانند آن آموزه‌های فردی هستند که اوشو در همه کتاب‌هایش بر آنها تأکید کرده است. در کتاب‌های پائولو کوئلیو نیز عشق، عدالت، عدم جنگ، و آزادی از جمله آموزه‌های مشترک، و اراده، آگاهی، شادی، آرامش، و بخشش و از جمله آموزه‌های فردی هستند که در همه کتاب‌ها بر آنها تأکید شده است. برخی از این آموزه‌ها همانند مسئولیت، خلاقیت، و نفی خشونت منافاتی با فرهنگ ایران و دین اسلام ندارند، اما برخی آموزه‌ها مانند تأکید بر لذت‌پرستی، فردگرایی، و سنت‌گریزی در تعارض آشکار با آموزه‌های اسلام و فرهنگ کشور ما قرار دارد؟ مثلاً، «عشق» یکی از مهم‌ترین آموزه‌های این عرفان‌هاست و گاهی این عشق متعلق مشخصی مانند خداوند را ندارد و تنها عشق مهم است. برای نمونه، یکی از مهم‌ترین اصولی که اوشو به شدت بر آن تأکید دارد، «اصل عشق و عشق‌ورزی» است. اوشو می‌گوید: عصارهٔ پیام من عشق است. «عشق»، بزرگ‌ترین هدیه خداست. خداوند موضع جشن و سرور است. زندگی رازی است برای عشق ورزیدن؛ رازی برای رقصیدن. یا پائولو کوئلیو می‌گوید: خداوند، عشق است. خداوند به دعای آنانکه می‌خواهند از عشق بگریزند، ناشنواست.

از نظر بریان ویلسون، جنبش‌های نوین دینی با تنوع و تفاوتی که در نگرش به دنیا دارند، در این موضوع مشترکند که از رویکرد ادیان و سنت‌های معنوی کهن به رستگاری و سعادت فاصله گرفته‌اند. آنچه در عموم این جنبش‌ها مشاهده می‌شود، توجه کمتر به رستگاری به معنای سنتی است. در این جنبش‌ها، معیارها به کلی دگرگون شده است. جنبش‌هایی که با فرهنگ رایج سرمایه‌داری تطابق دارند، به جای معیارهای اخلاقی و ابدی برای سنجش رستگاری، آرمان‌ها و داعیه‌های دینی خود را با

پیامدهای کاملاً مادی می‌سنجند. در میان این جنبش‌ها، دموکراسی، انتخاب شخصی، آموزش و درآمد‌های رو به افزایش، از جمله عواملی هستند که در گسترهٔ باورهای دینی جدید قرار می‌گیرند. اما جنبش‌های جدید دینی، که با فرهنگ رایج ناسازگارند و ضد فرهنگ تلقی می‌شوند، آسودگی خاطر و آرامش را ملاک رستگاری معرفی می‌کنند. بنابراین، رستگاری دینی از دیدگاه جنبش‌های جدید دینی گسترهٔ وسیعی دارد و شامل موضوعاتی مثل شفافخشی، تغییر نگرش، موفقیت‌های مادی، آسودگی خاطر، تعالی اعمال و رستگاری پس از حیات و چیزهای دیگر است (ویلسون و کرمول، ۱۳۸۶، ص ۲۰ - ۲۵). یافته‌های این مطالعه، که به جزئیات آن اشاره شد، با بخش زیادی از استدلال‌های ویلسون همخوانی دارد. در یافته‌ها، اشاره شد که عرفان‌های مذکور نیز بر آرامش، نفی خشونت تأکید دارند. نفس تأکید بر بسیاری از این آموزه‌ها اشکالی ندارد. آنچه این آموزه‌ها را از ادیان توحیدی متمایز می‌کند راه‌های رسیدن به این آرامش و آسودگی خاطر است. راه‌هایی مثل رقص، لذت جنسی، شراب، مواد توهم‌زا و مانند آن ترکیب‌هایی هستند که از مقوله‌های یافته شده در جدول تقارن مقولات به وجود می‌آیند. عشق، خلاقیت، آزادی، فردیت، و لذت جنسی کلماتی هستند که در عرفان/وشو با هم تقارن دارند و مقولاتی که لازم و ملزوم همدیگرند. البته در مقولات کوئیلو لذت جنسی با این مقولات تقارن ندارد و عشق با خدا، شهامت، عدالت، سخاوتمندی، افسانهٔ شخصی، و زندگی متقارن هستند.

مباحث جنسی و سکس یکی دیگر از مباحث مطرح در این عرفان‌هاست که گاهی ابزاری برای وصول به حقیقت شناخته می‌شود. اصولاً در این عرفان‌ها، گاهی نظریاتی دربارهٔ رابطهٔ جنسی داده می‌شود که امکان سوءاستفاده‌های جنسی را افزایش می‌دهد. /وشو می‌گوید: «سکس بزرگ‌ترین هنر مدیتیشن است و عشق از آمیزش جنسی زاییده می‌شود». نوشیدن شراب نیز، که پائولو کوئیلو در داستان‌هایش به آن اشاره می‌کند، یکی از دیگر موضوعاتی است که در اسلام به شدت از آن نهی شده است.

ژرژینسکی (*Szerszynski*) جنبش‌های نوپدید دینی را به‌عنوان راه فرار از مشکلات زندگی مدرن و واکنشی نسبت به تنش‌ها و تضادهای جامعهٔ معاصر می‌داند (ژرژینسکی، ۱۹۹۲). سرخورده‌گی‌هایی که توسط مدرنیته ایجاد می‌شود باید درمان گردد. گروندگان به این جنبش‌ها جذب مقولاتی فریبنده می‌شوند که توسط این عرفان‌ها ارائه می‌شوند. بیشتر این مقولات بر این قضیه متمرکزند که این محدودیت‌ها را از طریق شکستن تمام قیود برطرف سازند.

در تأیید این یافته، همین بس که کریس سایدز بر مبنای تحلیل محتوای پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی مربوط به جنبش‌های دینی جدید، اظهار می‌دارد که جنبش‌های دینی جدید با استفاده از اینترنت قادر

شده‌اند که صدای خود را به سراسر جهان برسانند. وی به این نتیجه رسیده است که سهولت در عضویت، نبود سخت‌گیری‌های رایج در سایر ادیان رسمی و عمومیت دادن جنبه‌های فراروان‌شناسی در زندگی، از جمله مهم‌ترین عللی هستند که اقبال عمومی جهانی به جنبش‌های دینی جدید را موجب شده‌اند (کریس سایدز، ۱۹۹۶).

معنویت‌های نوپدید که در این مقاله بررسی شدند، سعی دارند دین را از مناسک آن خالی کنند و آن را به مسئله‌ای فردی تبدیل کند و در گرو انتخاب فردی تقلیل دهند. علاوه بر این، راه‌های رسیدن به هدف را نامحدود ساخته، سعی دارند مرزهای آن را به بی‌نهایت اراده انسان (بدون توجه به آسیب‌های مترتب بر این مرزشکنی) گسترش دهند. بر این اساس، تعالی در این معنویت‌های نوپدید، گاهی از راه‌هایی توصیه می‌شود که با دین اسلام و حتی دیگر ادیان توحیدی و تعالیم آنها متعارض است.

پیشنهادها

روشن است که داشتن شناخت در این زمینه، می‌تواند نقش مهمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور داشته باشد. آشنایی با ماهیت این جریان‌ها، از وظایف مسئولان فرهنگی کشور است و برای اتخاذ راهبردهایی اساسی در جهت رفع تضادها و تناقض‌های زندگی جمعی، باید با انجام مطالعاتی، ماهیت و خاستگاه و وضعیت و آموزه‌های این جنبش‌ها را شناخت و سپس دست به عمل زد؛ زیرا هیچ اقدامی نباید بدون اطلاع از ماهیت قضیه صورت گیرد. از این رو، انجام پژوهش‌های تجربی در زمینه تعالیم و آموزه‌های جنبش‌های نوین دینی با فراهم آوردن بستر تطبیق و مقایسه، می‌تواند امکان بسط دانش نظری و غنی‌سازی تجارب پژوهشی در این زمینه را فراهم سازد.

همچنین نسبت به افرادی که در معرض این آسیب هستند، باید کارهای فرهنگی صورت گیرد و با روشنگری و ارائه معنویت اسلامی، زمینه این کار فراهم گردد؛ زیرا برخی عوامل همچون تأکید افراطی بر جنبه فقهی دین و توجه ناچیز یا بی‌توجهی به جنبه‌های اخلاقی و عرفانی شریعت اسلامی، به وظیفه عمل نکردن مبلغان دینی و متصدیان امور فرهنگی به‌طور بایسته و شایسته، به‌کارگیری روش‌های اشتباه یا سخت‌گیرانه انتقال آموزه‌های دینی در دوران کودکی، رعایت نکردن تکثرگرایی اجتماعی دین در عرصه جامعه و ایجاد تنش‌ها و تنازعات و تعارض‌های جناحی و جریان‌ی، و ظهور قدرت‌گرایی و منفعت‌پرستی در میان سیاست‌مداران جامعه از جمله عواملی هستند که موجب می‌شوند اسلام به درستی معرفی نشده، در نتیجه، موجب بروز و بسط جریان‌های مزبور و گرایش افراد به این‌گونه عرفان‌ها شود.

منابع

- اوشو، ۱۳۸۰، *بلوغ*، ترجمه مرجان فرجی، تهران، فردوس.
- _____، ۱۳۸۱، *آینده طلایی*، ترجمه مرجان فرجی، تهران، فردوس.
- _____، ۱۳۸۲، *الماس‌های اوشو*، ترجمه مرجان فرجی، چ پنجم، تهران فردوس.
- بارکر، ایلین ۱۳۸۲، *جنبش‌های نوپدید دینی*، ترجمه باقر طالبی دارابی، نشریه *اخبار ادیان*، ش ۲.
- تامسون، کنت، ۱۳۸۱، *مقالاتی در جامعه‌شناسی دین*، ترجمه علی بهرام‌پور و حسن محدثی، تهران، کویر.
- جنبش‌های نوپدید در آئینه آمار*، ۱۳۸۹، پایگاه رصدی جنبش‌های نوپدید دینی، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۱۰/۳۰، www.nrmnews.ir
- حاجیبانی، ابراهیم، ۱۳۸۳، «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی»، *مطالعات راهبردی*، ش ۲۴.
- حمیدیه، بهزاد، ۱۳۸۴، «ایران و رشد دین‌نماهای جدید»، *کتاب نقد*، ش ۳۵، ص ۱۸۷-۱۹۶.
- ریاحی، محمد اسماعیل و زین‌العابدین جعفری، ۱۳۸۸، «بررسی همبسته‌های اجتماعی میزان گرایش دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران به جنبش‌های دینی جدید»، *جامعه‌شناسی ایران*، سال دهم، ش ۲، ص ۵۵-۸۶.
- شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۰، *دین، جامعه و عرفی‌شدن، جستارهایی در جامعه‌شناسی دین*، تهران، نشر مرکز.
- شریعتی سبزواری، محمداقرا، ۱۳۸۹، «عرفان‌های نوظهور»، *معارف اسلامی*، سال بیست و نهم، ش ۷۹، ص ۱۰۴-۱۱۲.
- شفرز، برنارد، ۱۳۸۴، *جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران، نشر نی.
- علی‌آبادی، عبدالله، ۱۳۹۰، «فرقه‌های نوظهور (شیطان‌پرستی)»، *سریاز*، سال سی و دوم، ش ۱۸۰، ص ۴۱-۳۹.
- قشلاقی، باقر، ۱۳۸۸، *بررسی عوامل موثر بر گرایش به جنبش‌های دینی جدید در بین جوانان*، بررسی موردی - جنبش دینی راجشینیسیم یا اوشو - تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کرمانی، طوبی، ۱۳۸۳، *گرایش انسان معاصر به عرفان*، مجموعه مقالات عرفان، پلی میان فرهنگ‌ها، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۵۹-۳۹.
- کریندورف، مکوس، ۱۳۸۶، *مبانی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، روش.
- کوئن، بروس، ۱۳۸۳، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چ پانزدهم، تهران، سمت.
- کوئلیو، پائولو، ۱۳۸۲ *کیمیای*، ترجمه آرش حجازی، چ ۲۵، تهران، نشر کاروان.
- _____، ۱۳۸۳، *کوه پنجم*، ترجمه آرش حجازی، چ سوم، تهران، نشر کاروان.
- _____، ۱۳۸۷، *خاطرات یک مغ*، ترجمه بهرام جعفری، تهران، نشر محراب دانش.
- _____، ۱۳۸۷، *مکتوب، به همراه عطیه برتر*، ترجمه بهرام جعفری، چ پنجم، تهران، نشر محراب دانش.
- صالحی امیری، رضا، ۱۳۸۷، *مجموعه مقالات مسائل اجتماعی دین در ایران*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

مظاهری سیف، حمیدرضا، ۱۳۸۸، *جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور*، ج دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نگارش، حمید، ۱۳۹۰، *فرقه‌های نوظهور*، قم، زمزم هدایت.

همیلتون، ملکم، ۱۳۸۱، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تبیان.

هولستی، ال. آر، ۱۳۸۰، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، ج دوم، تهران، دانشگاه علامه.

وکیلی، هادی، ۱۳۸۶، «آسیب‌شناسی معنویت‌گرایی نوپدید»، *کتاب نقد*، ش ۴۵، ص ۳-۱۶.

ویلسون، برایان و جیمی کرسول، ۱۳۸۶، *جنبش‌های نوین دینی* (محدودیت‌ها و امکانات)، ترجمه محمد قلی‌پور، مشهد، مرندیز.

Anne Eyre (1996), *Religious cults in twentieth century America*, on-line researches from the American studies, Resources centre at LJMU, ARNET.

Arwek, Elisabeth (2003), *New Religious Movements*, in:Lind Wood head,etal. (ed.) *Religion in Modern World*, London: Rutledge.

Beckford, James A. (2004), *New Religious Movements and Globalization*, in: *New Religious Movements in the 21st Century*, Phillip Charles Lucas & Thomas Robbins (eds), New York, Rutledge.

Gordon, Milton (1999): *The Rise of the study of New Religions*, A paper at CESNUR99, Bryn ATHUN, Pennsylvania, Preliminary Version.

Panchenko, Alexander (2006), *New Religious Movement and the study of folklore*.

Szszzynski, Bronislawn (1992), *Religious Mewements and the New Age: Their Relevance to the Environmental Movement in the 1990s*, centre for the study of Enviromental change, fylde college, Lancaster universiry.

Troelsth, ERNST (1931), *The Social Teaching of the Christian churches*, translated. by Wyon, o, London, Georg Allen and Unwin, 2 Vols.

Wilson, Brayn Ronald, *Social change and new religious movements*, Emeritus Fellow, University of Oxford, England .
Chryssides, George. D (1996), *New Religions and the Internet*, available at: www.discus.com, (Last visited April 2007).

What say new Mysticism? Analysis of social and individual doctrines of Indian and American Mysticism.